

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 22, No. 5, Summer 2022, 1-29  
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.36333.2238

**Rewriting the Quranic Approach to the Rationality  
Assumption in Economic Behaviorology  
A Critique on the Book  
*“Economic Behaviorology According to Holy Quran”***

**Mohammad Javad Tavakoli\***

**Abstract**

The book *“Economic Behaviorology According to Holy Quran”* is honorable for referring to an important issue on the borders of Economics and for having a Quranic approach. Using the analytical method, the current paper analyses the performance of this book in promoting the borders of discussions on economic Behaviorology. According to the findings of the paper, the book suffers from three main problems namely return between systematic analysis and Behaviorology, making a vague conflict between materialist and innatist Human and Behaviorology in the framework of the perfect rationality approach. Therefore, it could not access its goals. The main problem is the lack of attention to the boundaries of human rationality which is an important issue in Behavioral Economics. Contrary to the findings of the book, there has been attention to cognitive, motivational, and intentional boundaries of rationality in Quranic economic Behaviorology. Therefore, Allah almighty mentioned some solutions.

**Keywords:** Economic Behaviorology, Holy Quran, Bounded Rationality, Economic Man, Islamic Economics

\* Associate Professor in Economy, Faculty Member of Imam Khomeini Education and Research Institute (RA), Qom, Iran, Tavakoli@iki.ac.ir

Date received: 12/03/2022, Date of acceptance: 25/06/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## بازخوانی نگرش قرآن به فرض انتخاب عقلایی در رفتارشناسی اقتصادی؛

نقدی بر کتاب رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم؛  
انسان مادی‌گرا و انسان فطرت‌گرا

محمد جواد توکلی\*

### چکیده

کتاب «رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم؛ انسان مادی‌گرا و انسان فطرت‌گرا» به واسطه پرداختن به موضوعی اساسی در مرزهای دانش اقتصاد و داشتن رویکرد قرآنی حائز تحسین است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به بررسی این سوال پرداختیم که اثر مزبور تا چه حد توانسته به پیشبرد مباحث رفتارشناسی اقتصادی کمک کند؟ بنا به یافته‌های تحقیق، این اثر به واسطه سه مشکل اساسی نوسان بین تحلیل سیستمی و رفتارشناسی، ایجاد تقابل نامشخص بین انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا و رفتارشناسی در چارچوب دیدگاه عقلانیت کامل نتوانسته به اهداف خود دست یابد. مشکل اصلی عدم توجه به محدودیت‌های عقلانیت بشر هنگام انتخاب است؛ مشکلی که در اقتصاد رفتاری به عنوان مرز دانش رفتارشناسی در اقتصاد معاصر مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله بدین نتیجه رسیدیم که بر خلاف برداشت ارائه شده در کتاب مزبور، در رفتارشناسی اقتصادی قرآن کریم به محدودیت شناختی، انگیزشی و ارادی بشر در انتخاب عقلایی توجه شده است. در همین راستا، خداوند متعال برای مواجهه با محدودیت‌های عقلانیت از

\* دانشیار اقتصاد، عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران  
<https://orcid.org/0000-0002-8184-8163> شناسه Tavakoli@iki.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

راهبردهایی همچون تذکر و تلنگر اجتماعی، تقویت ابعاد شناختی بشر، تغییر حسابداری ذهنی و تعهدسازی درونی سخن می‌گوید.

**کلیدواژه‌ها:** رفتارشناسی اقتصادی، قرآن کریم، عقلانیت محدود، انسان اقتصادی، اقتصاد اسلامی.

## ۱. مقدمه

در ادبیات اقتصادی، رفتارشناسی اقتصادی هم هدف مطالعه اقتصادی و هم پیش‌فرض آن است. از یک سو، محققان اقتصادی سعی می‌کنند با ارائه نظریات مختلفی همچون نظریه رفتار مصرف‌کننده و تولیدکننده به تبیین و پیش‌بینی رفتار اقتصادی بپردازند. از سوی دیگر، رفتارشناسی اقتصادی در قالب فرض عقلانیت اقتصادی به‌عنوان یکی از فروض هستی‌شناختی نظریه‌های اقتصادی ظاهر می‌شود. اقتصاددانان تلقی خاصی از انسان و رفتار اقتصادی او دارند؛ تا جایی که هویت انسان اقتصادی را برای افراد مورد مطالعه خود بر می‌گزینند.

کتاب *رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم* نوشته علی‌اصغر هادوی‌نیا اثری است که به‌دنبال استفاده از یافته‌های انسان‌شناسی قرآنی برای بهبود درک اقتصاددانان از قانونمندی‌های رفتار اقتصادی است. این کتاب ۳۹۲ صفحه‌ای رفتارشناسی اقتصادی خود را بر پایه ایجاد تقابل بین دو نوع انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا قرار می‌دهد. برای ارزیابی این اثر، چند سوال مطرح است: اول، این اثر تا چه میزان توانسته با مطالعات رفتارشناسی اقتصادی معاصر به‌خصوص مطالعات اقتصاد رفتاری پیوند بخورد؟ دوم، نویسنده کتاب تا چه میزان بر عهد خود مبنی بر پرداختن به مباحث رفتارشناسی اقتصادی وفادار مانده است؟ سوم، مطالعه مزبور چه دستاوردهایی برای دانش اقتصاد دارد؟

در این نوشتار برای پاسخ به سوال‌های بالا، ابتدا به بررسی چستی رفتارشناسی اقتصادی می‌پردازیم. در ادامه ایده اصلی مطرح‌شده در کتاب را تبیین می‌کنیم. مباحث بعدی مقاله به ارزیابی شکلی و محتوایی این اثر اختصاص دارد. در این زمینه ابتدا به بررسی روش‌شناسی کتاب می‌پردازیم. در ادامه ارزیابی محتوایی کتاب با تمرکز بر سه مشکل نوسان بین تحلیل سیستمی و رفتارشناسی اقتصادی، تقابل نامشخص انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا و رفتارشناسی اسیر در چارچوب عقلانیت کامل صورت می‌گیرد. در ادامه تلاش

بازخوانی نگرش قرآن به فرض انتخاب عقلایی ... (محمد جواد توکلی) ۵

می‌شود تا ضمن بیان قرائتی بدیل از رفتارشناسی اقتصادی در قرآن کریم، ارزیابی کلی از دستاوردهای کتاب مورد بررسی داشته باشیم.

## ۲. چیستی رفتارشناسی اقتصادی

رفتارشناسی اقتصادی از دیرباز مورد توجه اقتصاددانان بوده است. دانش اقتصاد اساسدانشی رفتاری است که به بررسی رفتارهای کنشگران اقتصادی از جمله رفتارهای تولیدی و مصرفی می‌پردازد. در اقتصاد خرد و کلان شاهد نظریه‌های رفتار مصرف‌کننده، تولیدکننده و مانند آن می‌باشیم. اما جلوه جدید مباحث رفتارشناسی اقتصادی در دوران کنونی در قالب مباحث اقتصاد رفتاری (Behavioral Economics) و اقتصاد شناختی (Cognitive Economics) ظهور و بروز کرده است (Bourguine & Nada, 2004).

گسترش مباحث اقتصاد رفتاری و شناختی به‌طور عمده مدیون مطالعات بین‌رشته‌ای و پیوند مطالعات اقتصادی با مطالعات روانشناختی و عصب‌شناختی است. در این بررسی توجه خاصی به محدودیت‌های شناختی افراد در تعامل با دیگران و طبیعت شده است. در آثار پیش‌قراولانی همچون هربرت سایمون و فردریش فون هایک، از دو رویکرد متفاوت برای ایجاد این پیوند استفاده شده است. نخستین راه از طریق به عاریت گرفتن نتایج علوم شناختی می‌باشد؛ نتایجی که مربوط به سطح بالای شناخت نمادین (symbolic cognition) است. این همان کاری است که سایمون با طرح عقلانیت محدود انجام داد، امری که گسترش محدوده‌های رفتار عقلانی را ممکن ساخت. سایمون از طریق گردن نهادن عقلانیت به کمبود منابع شناختی، استفاده از آن را بهینه کرد. دومین راه شامل تمرکز بر علوم مبتنی بر شبکه عصبی و فرایندهای یادگیری است. هایک نه تنها علوم عصبی را مطالعه کرد، بلکه تاثیراتی هم بر آن گذاشت. با گذر زمان مطالعات شناختی و عصب‌شناسی به شکلی ترکیبی در ادبیات اقتصادی وارد شده است. (Bourguine, 2004, pp. 11-12).

## ۳. رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم؛ تحلیل شکلی

کتاب «رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم؛ انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا» نوشته علی اصغر هادوی‌نیا، که در ۳۹۲ صفحه توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه در سال ۱۳۹۶ با

شمارگان ۳۰۰ جلد منتشر شده، به موضوعی اساسی در مرزهای دانش اقتصاد پرداخته است.

کتاب دارای چهار بخش (۱) مفاهیم و روابط، (۲) تحلیل برخی رفتار اقتصادی انسان مادی‌گرا از دیدگاه قرآن کریم، (۳) تحلیل برخی رفتار اقتصادی انسان فطرت‌گرا از دیدگاه قرآن کریم و (۴) مقایسه انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا می‌باشد. بخش‌بندی صورت‌گرفته بر محور تفکیک انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا است؛ به‌گونه‌ای که در دو بخش رفتار اقتصادی انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا بررسی شده و بخشی نیز به مقایسه رفتار اقتصادی این دو نوع انسان اختصاص یافته است.

از جهت فنی، طرح جلد کتاب جذاب و ناظر به موضوع آن است. در تصویر جلد دو انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا در تقابل با یکدیگر ترسیم شده‌اند که دقیقاً محتوای کتاب را منعکس می‌کند. قطع کتاب و صفحه‌آرایی کتاب مناسب است. در کتاب اصول علمی ارجاع دهی در درون متن و کتاب‌نامه نیز رعایت شده است.

#### ۴. ابهام در روش‌شناسی رفتارشناسی اقتصادی؛ تحلیل روشی

از نگاه نویسنده کتاب، اقتصاد رفتاری از روش تجربی و همچنین از شبیه‌سازی رایانه‌ای و تصاویر مغز برای رفتارشناسی اقتصادی استفاده می‌کند (هادوی‌نیا، ۱۳۹۶، ص. ۱۴). وی در ادامه به ظرفیت شناخت و حیانی در انسان‌شناسی اقتصادی اشاره می‌کند. از نگاه ایشان،

دسترسی به عینیت از طریق شناخت و حیانی بدین معناست که شهود خالق هستی نسبت به جهان عینی، از طریق وحی و رسالت به انسان انتقال یابد. در واقع انسان از طریق آگاهی به الفاظ قرآنی به حقایق هستی پی‌برد (همان، ص. ۱۵).

برخی از گزاره‌های وحی مربوط به شناسایی رفتارهای انسان است؛ بنابراین همانگونه که تجربه حسی می‌تواند رفتار انسانی را مورد شناسایی قرار دهد، در شناخت و حیانی، همین واقعیت از طریق تجربه و حیانی شناسایی شده و سپس از طریق الفاظ قرآنی معرفی شده است (همان، ص. ۱۶).

نویسنده تجربه و حیانی را به عنوان روش‌شناسی حاکم بر رفتارشناسی قرآنی تلقی می‌کند و آن را در مقابل روش‌شناسی تجربی اقتصاد رفتاری قرار می‌دهد؛ این در حالی

## بازخوانی نگرش قرآن به فرض انتخاب عقلایی ... (محمد جواد توکلی) ۷

است که انسان‌شناسی برگرفته از قرآن نوعی انسان‌شناسی دینی است که مبتنی بر منبع وحی و نه تجربه است. از آنجا که وحی در قالب کلمات و عبارات نقل شده است، روش بررسی نویسنده نوعی روش قرائت متن است. با توجه به رویکرد نظری خاص نویسنده، برداشت ایشان از آیات اقتصادی قرآن نیز بیانگر قرائت خاص ایشان است که در ادامه به تجزیه و تحلیل آن می‌پردازیم.

جدول انواع انسان‌شناسی و روش آن

روش	نوع
عقلی	فلسفی
نقلی	دینی
تجربی	تجربی
شهودی	شهودی

انسان‌شناسی و به تبع آن رفتارشناسی به چند دسته عمده انسان‌شناسی فلسفی، عقلی، دینی، تجربی و شهودی تقسیم می‌شود. در حالی که انسان‌شناسی فلسفی با استفاده از روش عقلی صورت می‌گیرد، انسان‌شناسی دینی متکی بر روش نقلی (وحیانی) و انسان‌شناسی علمی و شهودی به ترتیب مبتنی بر روش‌های تجربی و شهودی است (خسروپناه و میرزایی، ۱۳۸۹، ص. ۴۰-۴۳). در انسان‌شناسی دینی، ابعاد، ویژگی‌های انسان از طریق مراجعه به متون مقدس دینی-کتاب و سنت-به‌دست می‌آید. در انسان‌شناسی دینی به‌جای بهره‌گیری از روش‌های تجربی، عقلی یا شهودی برای شناخت انسان از روش نقلی استفاده می‌شود (خسروپناه، ۱۳۸۲، ص. ۲۲۳).

برای رفتارشناسی قرآن کریم قاعدتا باید از روش نقلی و نه تجربی استفاده کرد؛ ولی این امر به مفهوم عدم امکان مقایسه بین یافته‌های رفتارشناسی نقلی و تجربی نیست. نویسنده کتاب رفتارشناسی اقتصادی قرآن کریم، به تجربه وحیانی اشاره می‌کند که مفهومی مبهم است. اطلاق تجربه بر شناخت خداوند از رفتار انسان صحیح نیست؛ بیانات قرآن در رفتارشناسی اقتصادی نیز چیزی جز نقل شناخت وحیانی نیست. تنها روش ممکن در ترکیب انسان‌شناسی وحیانی و تجربی رویکرد تطبیقی است؛ همانگونه که در بخش پایانی

مقاله خواهد آمد بسیاری از یافته‌های تجربی اقتصاد رفتاری پیش از آن در آیات قرآن کریم منعکس شده است.

## ۵. رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم؛ تحلیلی محتوایی

کتاب رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم به عنوان قسمت دوم از طرح جامع «قرآن و اقتصاد» تدوین شده است؛ قسمت اول این طرح با عنوان «فلسفه اقتصاد در پرتو جهان بینی قرآن کریم» منتشر شده است (هادوی‌نیا، ۱۳۸۷). بخشی از دیدگاه‌های نویسنده نیز در کتاب «انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام» مطرح شده است (هادوی‌نیا، ۱۳۸۲). نویسنده در کتاب «رویکرد شناختی در تحلیل اقتصاد اسلامی» بخشی دیگر از یافته‌های خود در رفتارشناسی اقتصادی را منعکس کرده است (هادوی‌نیا، ۱۳۹۷).

رفتارشناسی اقتصادی را باید در زمره موضوعات هستی‌شناسی یا انسان‌شناسی فلسفه اقتصاد قلمداد کرد. این حوزه مطالعاتی عمدتاً به مقوله عقلانیت یا انتخاب عقلایی می‌پردازد. در این بررسی هم از مفهوم عقلانیت اقتصادی و هم از شرایط و محدودیت‌های آن سخن به میان می‌آید (توکلی، ۱۳۹۸). در میان مباحث انتخاب عقلایی، محدودیت‌های عقلانیت بیشتر مورد توجه محققان رفتارشناسی اقتصادی به‌ویژه اقتصاد رفتاری قرار گرفته است در این مطالعه از ترکیبی از مطالعات میدانی و آزمایشگاهی با استفاده از نظریه بازی‌ها استفاده می‌شود تا به شکل عملی چگونگی تصمیم‌گیری و انتخاب عواملان اقتصادی آزمون شود.

کتاب رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن از این جهت که به یکی از موضوعات مرز دانش اقتصاد و فلسفه اقتصاد نزدیک شده قابل تحسین است. نویسنده در آثار قبلی خویش نیز مباحث انسان اقتصادی و عقلانیت اقتصادی را محور بررسی‌های خود قرار داده است. این تلاش از این جهت نیز قابل ستایش است که به سراغ منبع وحی رفته تا بر عمق مطالعات رفتارشناسی اقتصادی بیفزاید. با این وجود، این اثر دچار سه مشکل عمده شده که آن را از مسیر اصلی‌اش منحرف کرده است:

اول؛ نوسان بین تحلیل سیستمی و رفتارشناسی اقتصادی؛

دوم؛ ایجاد تقابل نامشخص بین انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا؛



سوم؛ رفتارشناسی اسیر در چارچوب عقلانیت کامل.

پیش از ورود به تبیین این مشکلات، به برخی ابعاد محتوایی اثر اشاره می‌شود. کتاب رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم می‌تواند به عنوان یکی از کتب کمکی در زمینه فلسفه اقتصاد و فلسفه اقتصاد اسلامی و در موضوع عقلانیت به‌کار رود. مباحث کتاب می‌تواند بخشی از سرفصل‌های مصوب درس «عقلانیت و اقتصاد اسلامی» به‌عنوان یکی از دروس رشته فلسفه اقتصاد اسلامی در مقطع دکتری را پوشش دهد. نوشته‌های این اثر می‌تواند بخشی از سرفصل‌های درس «مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصادی» در مقطع کارشناسی اقتصاد و همچنین بخشی از سرفصل‌های «فلسفه اقتصاد تطبیقی ۲» متعلق به خوشه فلسفه اقتصاد دوره کارشناسی اقتصاد را نیز پوشش دهد.

با توجه به اینکه انتخاب عقلایی یکی از فروع محوری در دانش اقتصاد است، ورود نویسنده کتاب به این مباحث پاسخ‌گوی نیازهای علمی کشور به مباحث انتقادی در زمینه مبانی فلسفی نظریات اقتصادی از جمله مبانی عقلانیت اقتصادی است. از این‌رو نگرارش چنین کتاب‌هایی می‌تواند به تعمیق برداشت محققان اقتصادی کشور از مبانی فلسفی حاکم بر نظریاتشان بینجامد و به تولید نظریات بومی و اسلامی در حوزه مطالعات اقتصادی کمک کند.

البته کتاب، همانگونه که بیان خواهد شد، با مشکلاتی در زمینه انسجام درونی محتوا روبرو است. علیرغم اینکه نویسنده حوزه مطالعاتی خود را رفتارشناسی اقتصادی تعریف کرده، اما در بخش زیادی از کتاب درگیر مباحث مرتبط با نظام اقتصادی اسلام در حوزه‌های تولید، توزیع و مصرف شده است. این در حالی است که موضوع کتاب مباحث درجه دوم اقتصاد (ارزیابی نظریه‌های اقتصادی) و یا مباحث فلسفه اقتصاد و نه مباحث درجه اول اقتصاد (بررسی رفتار اقتصادی) است. در کتاب اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی واژه‌ها صحیح است؛ و آنچه محل نقد است جهت‌گیری مباحث به سمت موضوعاتی غیر از رفتارشناسی اقتصادی است.

رعایت اصول اخلاق علمی در نگرارش اثر قابل تقدیر است. نویسنده از منابع مختلف استفاده و بدان ارجاع داده است. با این وجود سوگیری به سمت رویکرد عقلانیت جامع و مطلوبیت‌گرایی باعث شده که قرائتی خاص از رفتارشناسی اقتصادی در قرآن کریم ارائه شود. به نظر می‌رسد که می‌توان با حذف این سوگیری می‌توان تصویری کامل‌تر از رویکرد

قرآن در حوزه رفتارشناسی اقتصادی ارائه داد. با بررسی آیات قرآن کریم می‌توان به این نتیجه رسید که یافته‌های محققان اقتصاد رفتاری در مورد محدودیت‌های بشر در انتخاب عقلایی بیش از ۱۴۰۰ سال قبل در قرآن مورد توجه قرار گرفته است.

#### الف-نوسان بین تحلیل سیستمی و رفتارشناسی

یکی از مشکلات کتاب رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن نوسان بین تحلیل سیستمی و رفتارشناسی اقتصادی است. نویسنده، کتاب را با مباحث رفتارشناسی و ایجاد تقابل بین رفتار انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا، آغاز می‌کند؛ ولی در میانه راه به سمت مباحث نظام اقتصادی اسلام در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف می‌رود. وی در بخش محوری سوم کتاب که به تحلیل برخی رفتارهای اقتصادی انسان فطرت‌گرا از دیدگاه قرآن کریم اختصاص یافته، عناوین زیر را به عنوان مدخل مباحث خود برگزیده است:

#### ۱. توزیع اولیه

- توزیع قبل از تولید از جنبه تکوینی

- توزیع قبل از تولید از جنبه تشریحی

#### ۲. تولید

- اصل تسخیر

- اصل استخدام

- گستره‌های تولید

- عوامل تولید

- هدف‌های تولید

#### ۳. مصرف

- سطوح مصرف

- اصول رفتاری مصرف

- اصل حلیت

- اصل اعتدال

- برخی رفتارهای اقتصادی

- زینت و تجمل

- زکات

- قرض الحسنه

- وقف

- برخی رفتارهای اقتصادی خانواده

مباحث فهرست شده عمدتاً به مباحث نظام اقتصادی ناظر به چگونگی سامان‌دادن ساختار تولید، توزیع و مصرف مرتبط است. این در حالی است که رفتارشناسی بحثی توصیفی یا اثباتی برای تبیین چگونگی رفتار انسان اقتصادی است. نویسنده پس از هر عنوانی، مبحثی نیز با عنوان تحلیل رفتاری اضافه کرده است که از مباحث رفتارشناسی اقتصادی فاصله دارد. به بیان دیگر، نویسنده بین مباحث مرتبط با نظام اقتصادی و رفتارشناسی اقتصادی ارتباطی برقرار نکرده است.

نویسنده اثر، مباحث رفتارشناسی را به بحث از تاثیر عناصری از نظام اقتصادی بر رفتار تقلیل داده است. وی بحث خود را بر این امر متمرکز می‌کند که مثلاً شرایط محیطی چه تاثیری بر انگیزش دارد (هادوی‌نیا، ۱۳۹۶، ص. ۲۱۲). وی پس از توضیحی در مورد مباحث عامه و احکام آن می‌نویسد: «اسلام با وضع چنین مقرراتی، از گردش ثروت‌های طبیعی در میان ثروتمندان جلوگیری کرده، مدیریت توزیع این ثروت‌ها را به دولت صالح و عادل - که پاسدار مصالح فرد و جامعه شمرده می‌شود - سپرده است» (همان، ص. ۲۱۲-۲۱۳). نویسنده در ادامه به بررسی قواعد فقهی حاکم بر استفاده از مباحث عامه می‌پردازد. نوسان بین مباحث رفتاری و ساختاری باعث شده که هدف نویسنده از کتاب تحت‌الشعاع قرار گیرد.

نویسنده در لابلای مباحث تلاش کرده تا سازگاری احکام مرتبط با مباحث عامه مطابق با فطرت انسان را نشان دهد. وی می‌نویسد: «قرآن به نیازهای اولیه انسان فطری توجه کامل داشته است؛ به همین سبب در توزیع منابع اولیه، عدالت را به مثابه برابری لحاظ کرده و تمامی انسان‌ها را در منابع طبیعی شریک می‌داند» (هادوی‌نیا، ۱۳۹۶، ص. ۲۱۸). بدین شکل، مباحث کتاب گاهی شکل فلسفه احکام پیدا کرده و از مباحث رفتارشناسی اقتصادی فاصله گرفته است. گذشته از اینکه تفکیک انسان به فطری و غیرفطری محل تأمل است.

جای این سوال باقی است که آیا می‌توان انسان غیرفطری داشت؟ در نگرش قرآنی، همه انسان‌ها دارای فطرت واحد بوده و به آن گرایش دارند (روم: ۳۰).  
در برخی از بخش‌های نوشته از جمله مورد زیر رفتن به سمت مباحث مرتبط با نظام اقتصادی و عدول از رفتارشناسی اقتصادی بسیار نمایان است:

اکنون با یک نگاه مقایسه‌ای بین نظام‌های اقتصادی می‌توان دریافت که چگونه نظام اقتصادی اسلام به نیازهای اولیه انسان فطری توجه دقیق‌تری داشته است... اسلام ... با تکیه بر این مبنای نظری که مالکیت انسان در طول مالکیت خداوند است، ثروت‌های عمومی و طبیعی را در اختیار امام عادل و دولت اسلامی قرار داده است تا از آن برای تحقق مصالح مسلمانان، از جمله عدالت اقتصادی بهره‌گیرد و گردش ثروت در همه طبقات جامعه را تضمین نماید (هادوی‌نیا، ۱۳۹۶، ص. ۲۲۳-۲۲۴).

همانگونه که مشاهده می‌شود مباحث نقل شده به حوزه مطالعات نظام اقتصادی اسلام و تبیین فلسفه و کارکرد احکام اقتصادی تعلق دارد. هرچند نویسنده سعی کرده این مباحث را به امور رفتاری و رفتارشناسی نسبت دهد، ولی این تلاش با موفقیت همراه نبوده است. وی تنها تحلیلی گذرا از اثر توزیع عادلانه امکانات بر رفتار اقتصادی افراد ارائه می‌کند. در نهایت نویسنده این ادعا را مطرح می‌کند:

از آنجا که انسان فطرت‌گرا دارای ابعادی غیرمادی، یعنی معنوی و اخروی است، ممکن است بعد معنوی یا اخروی وی به صورتی در نظر گرفته شود که با نیازهای مادی دیگران پیوند و پیوستگی داشته باشد؛ یعنی وی به برطرف کردن کمبودهای مادی مربوط به داشتن یک زندگی شرافتمندانه برای برخی که خود توان تصمیم و رفتار متناسب با آن را ندارند، حساس شده و این امر جزء یکی از کمبودهای وی قرار می‌گیرد؛ البته یک کمبود معنوی (همان، ص. ۲۲۴-۲۲۵).

تحلیل ارائه شده تلاشی برای پیوند بین چگونگی انتخاب اقتصادی با متغیرهای محیطی است. نویسنده تلاش می‌کند بیان کند که چگونه متغیرهای محیطی بر انگیزه افراد اثر می‌گذارند.

ب-تقابل نامشخص انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا

یکی از محورهای اساسی کتاب ایجاد تقابل بین انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا است. نویسنده در تمایز آن دو می‌نویسد:

فطرت همان آفرینش اولیه انسان است و انسان فطرت‌گرا کسی است که در تنظیم رفتارهایش به این آفرینش اولیه توجه دارد. ... انسان فطرت‌گرا در مقابل انسان مادی‌گرا که فقط به بعد مادی خود توجه دارد، به دیگر ابعاد خودش توجه دارد؛ البته مقدار و کیفیت این توجه متفاوت است (همان، ص. ۱۷).

در ادامه ایشان فطرت را به معنای «گرایش‌های انسانی» به مفهوم خصلت‌های فراحیوانی می‌گیرد (همان، ص. ۲۵). این برداشت از انسان فطرت‌گرا نگاهی متعالی به انسان دارد و خصلت‌های مادی او را کنار می‌گذارد. این در حالی است که نویسنده در ادامه رفتار انسان فطرت‌گرا را با رویکردی مطلوبیت‌گرایانه و لذت‌گرایانه تعریف می‌کند که منطبق با بعد مادی انسان است. از نظر ایشان، «حب مال و ثروت فطری است. علاقه به مال درون انسان نهفته است و از جمله فطریات شمرده می‌شود» (همان، ص. ۲۰۰). وی می‌نویسد:

از دیدگاه قرآن فطرت انسان دو سویه است؛ یعنی هم استعدادهای مثبت دارد و هم استعدادهای منفی. انسان هم دارای قوا و استعدادهای خیرخواهانه است و هم دارای قوا و استعدادهای شرورانه؛ هم زمینه‌های فضیلت در انسان وجود دارد و هم زمینه‌های رذیلت. انسان هم می‌تواند استعدادهای مثبت خود را به فعلیت برساند و هم استعدادهای منفی خود را (همان، ص. ۲۰۱).

تمایز بین انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا با ابهام روبرو است. از نظر نویسنده، «امور فطری اموری هستند که در خلقت اولیه انسان موجود است و آدمی با ورود به دنیا، آنها را همراه خود دارد و به دیگر سخن، فطریات امور اکتسابی نیستند» (همان، ص. ۱۹۹). اگر مادی‌گرایی را نیز یکی از خصلت‌های افراد بدانیم، که نویسنده کتاب چنین دیدگاهی دارد، انسان مادی‌گرا هم نوعی انسان فطرت‌گرا خواهد بود. البته نویسنده با تفکیک بین روح و بدن، مادی‌بودن را به بدن نسبت می‌دهد و روح را غیرمادی می‌داند:

نکته دیگری که در رابطه با فطرت باید یادآور شد، مربوط به ابعاد وجودی انسان است. ابعاد وجودی انسان برخاسته از دو عنصر اصلی وی، یعنی «بدن» و «روح» می‌باشد. قرآن کریم در آیات بسیاری به عنصر اول که ویژگی اصلی آن مادی‌بودن می‌باشد، اشاره کرده است. برخی آیات نیز به عنصر دوم که مهم‌ترین ویژگی آن «غیرمادی‌بودن» یا «تجرد» می‌باشد، اشاره دارد (همان، ص. ۲۰۲).

نویسنده انسان را دارای سه بعد «مادی، معنوی و اخروی» می‌داند. به‌نظر او، رفتارهای انسان «که مربوط به تولید، توزیع و مصرف می‌باشد، بازتابی از ابعاد سه‌گانه مربوط است» (همان، ص. ۲۰۳). برای نمونه او معتقدست: «تولیدکننده مادی‌گرا، منفعت را در منافع مادی خلاصه کرده و به تولید هر چیزی که منفعت مادی داشته باشد می‌پردازد» (همان، ص. ۱۹۴). اگر انسان فطرت‌گرا نیز این سه بعد را داشته باشد، مادی‌گرایی نیز یکی از ابعاد وجودی اوست. این در حالی است که نویسنده بین انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا تقابل ایجاد می‌کند.

#### ج- رفتارشناسی در چارچوب عقلانیت کامل

یکی از مشکلات اساسی در تحلیل‌های کتاب رفتارشناسی اقتصاد از دیدگاه قرآن کریم، پذیرش ضمنی نظریه عقلانیت کامل و تطبیق آن بر آیات قرآن مجید می‌باشد. تحلیل منتخب نویسنده عملاً تبیینی عقلی از انسان است که به صورت زیر ارائه شده است:

مهم‌ترین گرایش فطری «حب ذات» یا «حب نفس» می‌باشد. حب ذات‌گرایی است که فرد را به دوری از هر امر مکروه و تمایل به هر امر مطلوبی فرا می‌خواند. از این گرایش، گرایش‌های اصلی دیگری منشعب می‌گردد که «لذت‌جویی» و «سعادت‌طلبی» ... دو مورد از این گرایش‌ها می‌باشد. برداشت کلی حاصل از آیات قرآن کریم در این باره این است که چنین میلی در انسان وجود دارد. علاوه بر این از دیدگاه قرآن کریم، ارضای این میل، ناپسند نمی‌باشد. لذت، خودبه‌خود مطلوب است. نه تنها انسان، بلکه هر موجود با ادراکی در پی کسب لذت می‌باشد و علم حضوری و شهود انسان، گواه راستین این حقیقت است. هیچ کس را به جرم اینکه خواهان لذت خویش است نمی‌توان نکوهید؛ چرا که این امر در فطرت آدمی نهاده شده و این‌گرایش، جبری و بیرون از اختیار انسان است (همان، ۱۳۹۶، ص. ۳۲).

به‌نظر می‌رسد که نویسنده علاوه بر پذیرش خودگروی روانشناختی، خودگروی اخلاقی را نیز می‌پذیرد. گذشته از این، وی با پذیرش مطلق‌گرایی انسان، به سمت پذیرش عقلانیت کامل رفته است؛ رویکردی که در آن افراد با بهره‌مندی از اطلاعات مورد نیاز در پی بیشینه‌سازی مطلوبیت و لذت خود می‌باشند. این رویکرد مطلق‌گرایانه نیز تحلیلی عقلی است که نویسنده آن را به صورت زیر بیان می‌کند:

مطلق‌گرایی بازتابی از گرایش به کمال است که با توجه به توسعه گستره آگاهی انسان در دایره امور کلی پدید آمده است. ... انسان با برخورداری از امکان تصور مطلق می‌تواند به آن گرایش داشته باشد؛ بنابراین مطلق‌گرایی که از آن می‌توان با عنوان «گرایش به بیشترین کمال» یاد نمود و تحقق آن را بر رفتار «بیشینه‌سازی» متکی دانست، از امور مشترک انسان‌هاست؛ اما آنچه سبب اختلاف شدید بین انسان‌ها می‌شود، مصداقی است که ممکن است برای این امر مطلق، توسط هر فرد در نظر گرفته شود (همان، ۱۳۹۶، ص. ۳۲-۳۳).

این تبیین در تقابل با یافته‌های اقتصاد رفتاری است که به محدودیت‌های بشر در انتخاب عقلایی رسیده است؛ رویکردی که در انتهای مقاله تبیین کرده و به بررسی تطبیقی آن با رفتارشناسی اقتصادی در قرآن کریم می‌پردازیم.

## ۶. بازخوانی اندیشه معاصر در رفتارشناسی اقتصادی؛ تحلیل انتقادی

برای ارزیابی واقع‌بینانه از یافته‌های رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم، مقایسه آن با اندیشه معاصر در رفتارشناسی اقتصادی گویا است. در دهه‌های اخیر، مطالعات رفتارشناسی اقتصادی در قالب اقتصاد رفتاری و با تمرکز بر محدودیت‌های انتخاب عقلایی گسترش یافته است. در این مطالعات، به جای عقلانیت کامل، از عقلانیت محدود سخن به میان می‌آید. بر اساس نظریه عقلانیت محدود، افراد هنگام انتخاب با محدودیت‌های مختلف در زمینه کسب و پردازش اطلاعات، توجه به اطلاعات، تعارض امیال و محدودیت‌های اخلاقی مواجه‌اند (Simon, 1972; Bazerman & Sezer, 2016; Thaler & Sunstein, 2008; Sen, 1988; Sen, 1987).

جدول ۲: محدودیت‌های انتخاب عقلایی در نظریه عقلانیت محدود

نظریه پرداز	محدودیت‌های انتخاب عقلایی
سایمون	محدودیت در دسترسی و پردازش به اطلاعات
کاهنمن، تورسکی، بازرمن	محدودیت‌های ذهنی، محدودیت در توجه به اطلاعات
تالر، آریلی	محدودیت اراده و کنترل نفس در مقابله با تعارض لذت‌های آنی و منافع بلندمدت
سن، آریلی	محدودیت‌های اخلاقی، تعهدات اخلاقی

#### الف- محدودیت در دسترسی و پردازش اطلاعات

از نظر سایمون، افراد در انتخاب‌ها با دو محدودیت دسترسی به اطلاعات و پردازش آن مواجه بوده و تصمیم‌هایشان از شرایط محیط و رفتار دیگران اثر می‌پذیرد. محدودیت دسترسی به اطلاعات تحت تاثیر هزینه‌های کاوش اطلاعات و کمبود زمان قرار دارد. محدودیت پردازش اطلاعات نیز در اثر محدودیت‌های شناختی انسان شامل نقصان در توانایی‌های فکری (مانند پردازش اطلاعات) و به کارگیری حافظه رخ می‌دهد (Todd & Gigerenzer, 2003, p. 144). به نظر سایمون، پیش‌بینی لذت حاصل از گزینه‌ها در آینده بسیار دشوار است (سایمون، ۱۳۷۱، ص. ۱۰۲).

سایمون معتقدست افراد به واسطه محدودیت‌های پیش‌رو بجای این که دست به بیشینه‌سازی مطلوبیت یا سود بزنند؛ بدنبال تأمین سطح رضایتمندی از آن می‌باشند (Rubinstein, 1998, p. 12). آنان به‌دنبال دستیابی به یک «سطح رضایت‌بخش» از اهداف می‌باشند (Simon, 1972, p. 164). حافظه، توانایی پشتیبانی از عملی شدن همزمان تمام اهداف را ندارد و در نهایت به‌جای اینکه به‌دنبال بهینه‌یابی باشد به‌دنبال ارضای قابل قبول نیازها می‌باشد (Jones, 2002, p. 273).

#### ب- محدودیت‌های ذهنی در انتخاب

محدودیت‌های ذهنی انسان در توجه به اطلاعات و پردازش آن نیز مورد توجه اقتصاد رفتاری قرار گرفته است. در این زمینه، کاهنمن و تورسکی به بررسی سوگیری‌های ذهن در انتخاب پرداخته‌اند (Kahneman, 2010). ماکس بازرمن به مشکل عدم تسلط کافی افراد بر اطلاعات حتی در صورت وجود اطلاعات کامل، اشاره می‌کند (Bazerman & Sezer, 2016).

از نظر کاهنمن، ذهن انسان از نظر کارکردهای شناختی، دارای دو سیستم پاسخگویی سریع و کند است. کارکرد سیستم اول پاسخگویی سریع و ظاهراً بدون تأمل نسبت به موقعیت‌های پیش‌رو است. در مقابل، سیستم دوم، اقدام به سنجش، ارزیابی، نقادی و تفکر عمیق و استنتاج منطقی و عقلایی می‌کند. کارکرد سیستم دوم کند، پر زحمت و انرژی‌بر است. سیستم اول در بسیاری از موارد صورت مسائل را تغییر داده و حتی راه‌حل‌های اشتباهی به‌دست می‌دهد. افراد برای حل مسائل پیچیده به‌شکلی ناخودآگاه از راه‌های میان‌بر یا روش‌های اکتشافی استفاده می‌کنند (Kahneman & Tversky, 1974).



تصمیم‌گیری افراد با برخی سوگیری‌ها روبرو است. یکی از این سوگیری‌ها چگونگی چارچوب‌بندی گزینه‌های پیش‌رو است. اگر افراد از میان دو گزینه با پیامد ریاضی یکسان، یکی را به‌منزله شکست و دیگری را به‌منزله موفقیت بدانند، از اولی پرهیز کرده و دومی را انتخاب می‌کنند. عدم تقارن در واکنش به سود و زیان نیز انتخاب‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به‌طور معمول، ضررها، دو برابر بیشتر از فواید هم‌مقیاس خود، مورد تنفر می‌باشند. همچنین افراد به احتمالات کوچک وزن بسیار زیاد می‌دهند. آنان دوستدار بلیت‌های بخت‌آزمایی بسیار نامتقارن، با شانس بسیار کم برای برد می‌باشند. همچنین افراد به خرید بیمه برای مقابله با شانس کوچک زیان‌های سنگین تمایل دارند (Colin, Loewenstein, & Rabin, 2004, p. 20).

افراد به‌خاطر داشتن محدودیت‌های شناختی و مشکل دسترسی به اطلاعات، اطلاعات ناسازگار با احساسات و باورهایشان را نادیده می‌گیرند؛ و اطلاعات سازگار با آن را تقویت کرده و می‌پذیرند. ترس هیجانی افراد از شکست مانع از تفکر منطقی در برابر رقبا می‌شود. افراد به شدت تاثیر و کینه‌جویی رقبایشان را بیش از حد برآورد می‌کنند. این سوگیری به نوبه خود پیوندهای آنها را با کسانی که باورهای مشابه دارند، تقویت می‌کند (رهبر و امیری، ۱۳۹۳، ص. ۱۶۸-۱۶۹).

#### ج- محدودیت اراده و خودکنترلی

ریچارد تالر از بنیانگذاران اقتصاد رفتاری، معتقدست مردم عادی از انسان اقتصادی فاصله دارند. وی در کنار اشاره به برخی از مشکلات افراد در انتخاب‌هایشان، تمرکز خود را بر محدودیت اراده و ضعف خودکنترلی می‌گذارد. افراد علی‌رغم اینکه در پاره‌ای اوقات از بهترین گزینه‌ها مطلع‌اند، کنترلی بر خود ندارند. این مشکل در موارد مختلفی از جمله تصمیم به پس‌انداز رخ می‌دهد (Thaler & Shefrin, 1981).

تالر برخلاف نئوکلاسیک‌ها که معتقدند باید افراد را آزاد بگذاریم و خودشان تصمیم درست می‌گیرند، از لزوم کمک به افراد برای اتخاذ تصمیم صحیح پشتیبانی می‌کند. از نظر او، تذکر به افراد (تلنگر) می‌تواند باعث اصلاح رفتار آنها شود. وی معتقدست که باید گزینه‌ها را به‌گونه‌ای دستکاری کنیم که افراد تصمیم صحیح بگیرند (Thaler & Sunstein, 2008; Thaler, 2015).

#### د- محدودیت‌ها و قابلیت‌های اخلاقی

دانیل آریلی، از اقتصاددانان رفتاری است که در آثار مختلفش به بررسی انتخاب‌های نابخردانه افراد پرداخته است. وی به شکل خاص به بررسی تأثیر محدودیت‌ها و قابلیت‌های اخلاقی در کنترل انتخاب‌ها پرداخته است. بر اساس نتایج مطالعات تجربی او، اخلاق می‌تواند در برخی موارد رفتار را محدود و کنترل کند. در برخی موارد نیز دامنه اثرگذاری آن کاهش می‌یابد. وی به صورت خاص به بررسی نیمه تاریک کار گروهی پرداخته است. وی دریافت که چنانچه افراد در کارشان به حال خود رها شوند و فرصتی پیدا کنند، تا جایی که برای خودشان قابل توجه بوده و احساس گناه نکنند، مقداری تقلب را چاشنی کارشان می‌کنند. اما اقدام ساده‌ای مانند اینکه از افراد بخواهیم لحظه‌ای به اصول اخلاقیشان بیندیشند، می‌تواند به شکل موثری از امکان تقلب کردن، پیشگیری کند (Ariely, 2009).

#### ۷. راهبردهای مقابله با محدودیت‌های انتخاب عقلایی

هرچند نظریه پردازان عقلانیت محدود عمدتاً رویکردی توصیفی به محدودیت‌های انتخاب عقلایی دارند، برخی از ایشان به دنبال ارائه راهکارهایی همچون تلنگر (تالر)، اخلاق (آریلی) و تعهدسازی (شلینگ) برای مواجهه با آن نیز می‌باشند.

##### - تلنگر

از نظر تالر و سانشتین (۲۰۰۸) مرتب کردن گزینه‌ها توسط افراد نوعی معماری انتخاب است. از این رو، می‌توان با استفاده از تلنگرهایی به انتخاب عقلایی افراد کمک کرد. در نگرش ایشان، چنین مداخله‌ای آزادی انتخاب‌گر را محدود نمی‌کند؛ بلکه باعث می‌شود گزینه انتخاب‌گر را به قضاوت خودش بهبود دهیم. آنان این رویکرد را قیّم‌مآبی آزادی خواهانه می‌نامند (Thaler & Sunstein, 2008, pp. 3-6).

##### - ظرفیت اخلاق

محققانی همچون آمارتیا سن و دانیل آریلی به صورت ضمنی از ظرفیت اخلاق برای انتخاب سخن گفته‌اند. همانگونه که بیان شد، آریلی به مطالعاتی اشاره می‌کند که حاکی از اثر یادآوری‌های اخلاقی بر کنترل انتخاب دارد. برای نمونه، نتایج برخی مطالعات نشان می‌دهد که یادآوری ده دستور تورات باعث کاهش تقلب می‌شود (Ariely, 2009; Ariely,

2008, p. 16). البته این تحلیل وابسته به تعریف عقلانیت و قبول سازگاری آن با اخلاق است. سن از محققانی است که انتخاب اخلاقی را با انتخاب عقلایی سازگار می‌داند (سن، ۱۳۷۷، ص. ۱۷).

- ابزارهای تعهدساز

توماس شلینگ (۱۹۶۰) و جان الستر (۲۰۰۰) معتقدند افراد برای غلبه بر ضعف اراده فضای تصمیم را به گونه‌ای طراحی می‌کنند که بتوانند انتخابی عاقلانه داشته باشند. شلینگ از این راهبرد به عنوان ابزارهای تعهدساز (Commitment devices) یاد می‌کند. برای نمونه، فرمانده پل‌های پشت سر سربازان را خراب می‌کند تا آنان به فکر عقب‌نشینی نیفتند. یا فرد بسته سیگار را دور از دسترس خود قرار می‌دهد تا بتواند راحت‌تر آن را ترک کند (Schelling, 1960, pp. 21-51). جان الستر از این رویکرد با عنوان پیش‌تعهد (Precommitment) یاد می‌کند؛ روشی که در آن فرد سعی می‌کند خود را به انجام کاری متعهد سازد (Elster, 2000, pp. 1-7).

## ۸. رفتارشناسی اقتصادی در قرآن کریم در چارچوب رویکرد عقلانیت محدود

برخی محققان اقتصاد اسلامی با گرایش به سمت رویکرد عقلانیت کامل و مطلوبیت‌گرایی، انتخاب عقلایی را معادل «بیشینه‌کردن سرجمع لذت‌های دنیایی و آخرتی» یا «بیشینه‌سازی لذت مادی و معنوی در دنیا و آخرت» دانسته‌اند (میرمعزی، ۱۳۸۴، ص. ۶۷؛ هادوی‌نیا، ۱۳۸۷، ص. ۲۸۲). گروهی نیز با عدول از مطلوبیت‌گرایی، عقلانیت را به مفاهیمی چون بیشینه‌سازی حسنات (Kahf, 2014, p. 145)، موازنه بین منافع دنیوی و اخروی (Khan, 1984, p. 7)، و بیشینه‌کردن رضایت الهی (صدر، ۱۳۷۴، ص. ۱۹۳-۱۹۴) آمده است.

یکی از مشکلات عمده رفتارشناسی اقتصادی در رویکرد اسلامی عدم توجه به مشکلات شناختی، انگیزشی و ارادی انسان است. در این رویکردانسان اقتصادی مسلمان به واسطه برخورداری از برخی شناخت‌ها و تربیت‌های دینی بدنبال نوعی بیشینه‌سازی مطلوبیت مقید به احکام و ارزش‌های اسلامی است. این نوع رویکرد را می‌توان رویکردی ایده‌آل نسبت به انسان اقتصادی و نه رویکردی نسبت به انسان موجود قلمداد کرد.

نویسنده کتاب رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم، در یکی از مقالاتش عقلانیت محدود در اقتصاد شناختی را در مقابل عقلانیت فراگیر در اقتصاد اسلامی با رویکرد

شناختی قرار می‌دهد. از نظر ایشان تفاوت این دو رویکرد عبارتست از: الف) در عقلانیت فراگیر با تکیه بر مبانی معرفت شناختی اسلامی به کارکردهای دیگری از عقل اشاره شده است که در عقلانیت محدود به آنها پرداخته نشده است؛ ب) در عقلانیت فراگیر با توجه به مبانی انسان شناختی، منفعت شخصی توسعه می‌یابد، به گونه‌ای که بسیاری از رفتارهایی که در عقلانیت محدود نمی‌توان توجیه کرد، در عقلانیت فراگیر توجیه‌پذیر می‌باشد (دادگر و هادوی‌نیا، ۱۳۹۱).

تنها برخی محققان اقتصاد اسلامی به شکلی ضمنی به برخی از محدودیت‌های انتخاب عقلایی اشاره کرده‌اند؛ بدون آنکه نگرشی نظام‌مند در مورد رویکرد اسلام نسبت به انتخاب عقلایی ارائه دهند (مرطان، ۱۹۸۶م، ص. ۱۰۸؛ حسینی، ۱۳۷۹، ص. ۱۲۲-۱۲۵).

## ۹. محدودیت‌های سه‌گانه عقلانیت در نگرش قرآنی

در رفتارشناسی قرآن مجید به محدودیت‌های عقلانیت بشر در سه بعد محدودیت‌های شناختی، انگیزشی و ارادی توجه شده است. این محدودیت‌ها را می‌توان مرتبط با ابعاد سه‌گانه نفس؛ یعنی، علم، محبت و قدرت دانست (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص. ۳۳-۳۴).

### الف- محدودیت‌های شناختی انتخاب

در آیات زیادی از قرآن به محدودیت‌های شناختی و خطاهای محاسباتی بشر در انتخاب اشاره شده است. از جمله این خطاهای محاسباتی، محاسبه نادرست در مورد منافع دنیوی و نادیده گرفتن منافع اخروی است. برای نمونه، خداوند متعال افراد را به واسطه روگردانی از پیامبر به خاطر مشاهده جذابیت‌های تجاری سرزنش می‌کند و عنوان می‌دارد که آنچه نزد خداست بسیار برتر از منافع تجاری می‌باشد (جمعه: ۱۱).

تعبیر قرآنی حاکی از نوعی خطای محاسباتی بشر است که منافع اخروی را کم‌ارزش تلقی کرده و در مقابل منافع مادی دنیوی را بسیار ارزشمند می‌یابد. این خطای محاسباتی ریشه در برخی ابعاد روانی انسان دارد؛ چرا که طبیعت انسان این گونه سرشته شده که به سمت منافع دنیوی گرایش شدیدی دارد و همین امر موجب غفلت او از منافع اخروی می‌شود (آل‌عمران: ۱۴). در اثر این مشکل محاسباتی، بشر آنچه به نفع اوست را مضر و آنچه به ضرر اوست، را نافع می‌پندارد (بقره: ۲۱۶). از این رو، در آیات زیادی از قرآن مجید

برتری منافع اخروی نسبت به منافع دنیوی گوشزد شده است (آل عمران: ۱۸۵، نساء: ۷۷، انعام: ۳۰، ۳۲، ۷۰، اعراف: ۵۱).

#### ب- محدودیت‌های انگیزشی

در رویکرد قرآنی، تمایلات و غرایز کور انسان می‌توانند وی را از رفتار عقلایی دور سازد؛ این مشکل زمانی رخ می‌دهد که انسان بدون تبعیت از رهنمودهای عقل به دنبال ارضای غرایز و شهوات خود و یا خواسته‌های نفس اماره می‌رود. نفس اماره یکی از ابعاد نفس انسان است که وی را به سمت کارهای زشت و پست فرا می‌خواند (یوسف: ۵۳؛ ق: ۱۶). تبعیت از نفس اماره باعث می‌شود انسان همانند حیوانات تابع شهوات شود (محمد: ۱۲). قرآن درباره اینان با تعبیر توبیخ‌آمیز می‌گوید: بگذارشان بخورند و کام جویند و آرزوهای (بی‌بلند) مشغول‌شان دارد که بزودی (بدی کار خویش را) می‌فهمند (حجر: ۳)».

تبعیت از شهوات و هواپرستی باعث حرص و زیاده‌طلبی انسان و در نتیجه بخل‌ورزی و امتناع از کمک به فقرا می‌شود که در منطق اسلامی رفتاری غیرعقلایی است (معارج: ۱۹-۲۱، اسراء: ۱۰۰، تغابن: ۱۶). تمایل انسان به بقاء می‌تواند انسان را درگیر آرزوهای دراز و علاقه شدید به داشتن عمر طولانی در دنیای مادی کند (بقره: ۹۶).

یکی از دلایل بروز این مشکل انگیزشی آن است که انسان بنا به طبیعتش موجودی عجزول است که برای دستیابی به دستاوردهای زود هنگام دنیا، آخرت را از یاد می‌برد (اسراء: ۱۱؛ قیامه: ۲۰-۲۱). شدت علاقه انسان به مال نیز زمینه‌ساز بروز این مشکل است (فجر: ۲۰، عادیات: ۸). محبت نسبت به امور مادی از جمله اموال و دارایی‌های دنیوی برای انسان جلوه داده شده تا در پرتو آن آزمایش و تربیت شود. خداوند متعال برای تصحیح نگرش افراد این نکته را گوشزد می‌کند که امور مادی، توشه زندگی دنیا می‌باشند؛ در حالی که عاقبت بخیری نزد خداوند است (آل عمران: ۱۴). به همین خاطر خداوند متعال می‌فرماید اگر می‌خواهید به مقام نیکوکاران دست یابید باید از آنچه دوست دارید در راه خدا انفاق کنید (آل عمران: ۹۲).

#### ج- محدودیت‌های ارادی

در برخی از آیات قرآن کریم به ضعف اراده بشر توجه شده است (توبه: ۳۸؛ نساء: ۱۴۲؛ آل عمران: ۱۵۲؛ توبه: ۴۲؛ بقره: ۲۴۹؛ توبه: ۴۶). یکی از این موارد ضعف اراده بنی اسرائیل در

مقابل خواهش‌های نفسانی است که با انواع بهانه‌گیری و عدول از خداپرستی ظهور یافته است (اعراف: ۱۴۸). در آیات قرآن به این نکته هم اشاره شده است که افراد علیرغم اینکه به موضوعی علم دارند ولی از عمل بر اساس آن سر باز می‌زنند (بقره: ۴۲ و ۴۴؛ نمل: ۱۴)؛ که این امر می‌تواند ناشی از ضعف اراده باشد. ضعف اراده در اثر تبعیت از هوای نفس حتی باعث گمراهی افرادی می‌شود که از مراتب علمی بالایی برخوردار می‌باشند (اعراف: ۱۷۵-۱۷۶).

### ۱۰. رویکرد قرآنی در مواجهه با محدودیت‌های عقلانیت

در رویکرد قرآنی، غلبه تمایلات انسان به سمت شهوات غیرسنجیده یکی از محدودیت‌های قوای تمایلی انسان است که وی را از عقلانیت دور می‌سازد. اسلام برای مهار این محدودیت گرایشی سعی در تقویت ابعاد شناختی بشر و همچنین ایجاد قوه مدیریتی موسوم به تقوی دارد.

جدول ۳: رویکرد قرآنی در مواجهه با محدودیت‌های عقلانیت

محدودیت‌های عقلانیت	راه حل
محدودیت شناختی	تقویت ابعاد شناختی بشر با گسترش نگرش افراد به قلمرو زندگی، توجه دادن به زندگی پس از مرگ، تغییر حسابداری ذهنی، تذکر و تلنگر اجتماعی
محدودیت گرایشی هیجانی	تقویت قدرت خودکنترلی: تذکر و تلنگر اجتماعی، ظرفیت دین و اخلاق
محدودیت ارادی	تقویت قدرت خودکنترلی: تعهدسازی درونی

#### الف-تذکر و تلنگر اجتماعی

در رویکرد قرآنی به ظرفیت تذکر و تلنگر اجتماعی برای مواجهه با عقلانیت محدود توجه شده است. نهاد امر به معروف و نهی از منکر نوعی تلنگر اجتماعی است که می‌تواند به بهبود انتخاب افراد کمک کند. به همین خاطر در آیات مختلف قرآن مجید بر اهمیت ذکر و یادآوری تأکید شده است (طور: ۲۹). امر به معروف و نهی از منکر اقتصادی، کارکردی تصحیحی دارد و می‌تواند مانع از انتخاب‌های غیرعقلایی در تضييع و اسراف منابع شود. مشورت گرفتن از دیگران نیز کارکردی مشابه دارد که می‌تواند با تقویت ابعاد شناختی افراد از مشکلات عقلانیت محدود بکاهد (اکبری، ۱۳۸۶، ص. ۷۱).

در فضای فرهنگ دینی هم توصیه‌هایی در راستای معماری انتخاب به‌مثابه نوعی تلنگر مطرح شده است. برای نمونه، توصیه به دور نگه‌داشتن دیده از صحنه‌های شهوانی و پرهیز از تنها بودن با نامحرم توصیه‌ای برای معماری انتخاب است که مانع از غلبه ضعف اراده می‌شود.

#### ب- تقویت ابعاد شناختی بشر

در آیات زیادی از قرآن مجید سعی شده با یادآوری معاد و زندگی پس از مرگ، جهان‌بینی افراد اصلاح شده و زمینه انتخاب‌های عقلایی فراهم آید. خداوند متعال کسانی را مذمت می‌کند که به زندگی دنیا رضایت دادند و از زندگی اخروی و لقاء خداوند غافل شدند (یونس: ۷-۸). افراد به اتفاق از آنچه به آنها روزی شده فراخوانده شده‌اند، با این بیان که اقدامات خیر تنها پیش از مرگ امکان‌پذیر است (منافقون: ۱۰). در ماجرای معروف ایشار اهل بیت (ع) در بخشیدن افطاری خود به یتیم، مسکین و اسیر، ایشان به خوف خود از روز سخت قیامت اشاره می‌کنند (انسان: ۱۰). خداوند می‌فرماید ما به واسطه صبرشان آنها را از شر این روز نجات می‌دهیم (انسان: ۱۱-۱۲).

توجه دادن به مالکیت حقیقی خداوند بر اموال نیز از جمله رهیافت‌های اسلامی برای تقویت ابعاد شناختی بشر برای انتخاب عقلایی است. یکی از موانع انتخاب عقلایی در حوزه اتفاق در راه خداوند، این است که انسان خود را مالک و صاحب اختیار کامل اموالش می‌داند. خداوند متعال، این انگاره را رد می‌کند و بر مالکیت حقیقی خداوند بر اموال و نقش انسان به عنوان جانشین خداوند در اداره اموال تصریح می‌کند (حدید: ۷).

#### ج- تغییر حسابداری ذهنی

در آیات مختلف قرآن تلاش شده حسابداری ذهنی افراد در راستای توجه به منافع معنوی و اخروی اصلاح شود. برای نمونه، در آیه ۲۶۵ سوره بقره، ثمره اتفاق در راه خداوند همانند زمینی دانسته شده که از قطرات درشت باران سیراب شده و محصولش دو برابر شود. در آیه ۲۹ سوره فاطر، اتفاق در راه خداوند به عنوان تجارتي پرسود معرفی شده که هیچگاه دچار کساد نمی‌شود. در آیه ۱۱ سوره حدید از اتفاق در راه خدا به عنوان وام‌دادن به خداوند متعال یاد شده؛ که پاداشی مضاعف دارد. در آیه ۱۷ سوره تغابن نیز اصلاح حسابداری ذهنی مشارکت‌کنندگان در کارهای خیر هدف‌گذاری شده است. آیه ۲۶۴ سوره بقره برای فرهنگ‌سازی عقلانیت الهی و نه عقلانیت ریائی، اتفاق مال از روی

ریا را به قطعه سنگی تشبیه می‌کند که بر روی آن قشر نازکی از خاک همراه با بذر گیاه باشد؛ هنگامی که باران می‌آید خاک بر روی سنگ و بذرهای روی آن را می‌شوید. در نتیجه هیچ محصول و ثمری حاصل نمی‌شود. در آیه ۴۶ سوره کهف نیز تلاش شده که حسابداری ذهنی افراد با مقایسه بین اموال دنیا و انفاق تغییر کند. در این آیه از آنچه انفاق می‌شود با عنوان چیزی که باقی می‌ماند (باقیات صالحات) یاد شده است. همچنین خداوند متعال پرداخت زکات را مایه تطهیر و تزکیه زکات‌دهندگان اعلام می‌کند امری که با محاسبات مادی متعارف سازگار نیست (توبه: ۱۰۳).

در تعبیر قرآنی از تشبیه‌هایی برای تصحیح خطای محاسباتی بشر استفاده شده است. برای نمونه، انفاق در راه خداوند به کاشتن بذری تشبیه شده که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه یکصد دانه باشد. این به معنای رشد ۷۰۰ درصدی است که از دید بشر پنهان است (بقره: ۲۶۱). همچنین انفاق در راه خداوند به باغی تشبیه شده که باران درشت بر آن ببارد و محصولات آن دو برابر شود (بقره: ۲۶۵).

#### د- تعهدسازی درونی

در رویکرد اسلامی به ابزارهای تعهدساز برای غلبه بر مشکلات انتخاب عقلایی به خصوص در زمینه ضعف اراده توجه شده است. توصیه به تقوی در دین اسلام، با هدف تقویت تعهد درونی افراد برای انتخاب درست می‌باشد. تقوی دریچه‌های آگاهی و دانایی را بر روی افراد می‌گشاید (بقره: ۲۸۲) و باعث می‌شود که افراد دچار خطای محاسباتی نشوند (انفاق: ۲۹). خداوند متعال ایمان و تقوی را موجب نزول برکات آسمان و زمین می‌داند (اعراف: ۹۶).

در رویکرد اسلامی، استفاده از ابزارهای تعهدسازی همچون نذر و قسم برای مقابله با محدودیت‌های انتخاب و از جمله ضعف اراده مطرح شده است. چنین ابزارهایی کارکردی محدودکننده در انتخاب‌ها داشته و با هزینه‌دار کردن گزینه‌های نامطلوب افراد را به سمت انتخاب عقلایی رهنمون می‌سازند. در برخی از آیات قرآن توکل بر خداوند به عنوان ابزاری برای تقویت اراده قلمداد شده است. خداوند متعال به پیامبرش دستور به مشورت می‌دهد و می‌فرماید هنگامی که عزم به انجام کاری گرفتی، بر خداوند توکل کن و آن را اجرا کن (آل عمران: ۱۹۵).



## ۱۱. نتیجه‌گیری

کتاب رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم از جهت ورود به حوزه مطالعات فلسفه اقتصاد در تحلیل انتخاب عقلایی و همچنین تلاش برای پیوند زدن میان مباحث انسان‌شناسی دینی و تجربی قابل تحسین و تقدیر است. نویسنده اثر تلاش کرده تا با طرح سوال‌های معاصر در مورد رفتار اقتصادی به قرآن کریم، به غنای ادبیات موجود در زمینه انسان‌شناسی اقتصادی بیفزاید.

نویسنده کتاب علیرغم تمرکز بر موضوع خاص رفتارشناسی اقتصادی، در بخش‌های زیادی به ورطه تحلیل سیستم و نظام اقتصادی درافتاده است؛ رویکردی که باعث شده مباحث انسان‌شناسی کتاب کمرنگ شود. چالشی که باید نویسنده بدان پاسخ می‌داد این بود که چه نسبتی بین مطالعات انسان‌شناسی تجربی و دینی وجود دارد. این سوال از آن جهت چالشی است که هر یک از این دو نوع انسان‌شناسی از روش خاص خود بهره می‌جویند: انسان‌شناسی دینی از روش نقلی (قرائت منابع وحیانی) بهره می‌گیرد و انسان‌شناسی تجربی تمرکز خود را بر استفاده از روش تجربی می‌گذارد. هرچند نویسنده سعی کرده از یافته‌های وحیانی نیز با عنوان تجربه وحیانی یاد کند و به‌گونه‌ای به این چالش پاسخ دهد، ولی اضافه کردن واژه تجربه به وحی نه تنها چالش را برطرف نمی‌کند؛ بلکه خود موجب بروز نوعی پارادوکس روشی می‌شود. مطالعات معاصر در رفتارشناسی اقتصادی به‌گونه‌ای رویکردهای عقلی و دینی را به حاشیه رانده و تلاش دارند که تا رفتار انسان را به شکلی عینی و با استفاده از فضاهای آزمایشگاهی متکی به نظریه بازی‌ها تجزیه و تحلیل و آزمون کنند.

مسئله با مراجعه به قرآن کریم و بازخوانی آیات آن نمی‌توان به چنین هدفی دست یافت. البته می‌توان از رهیافت‌های انسان‌شناسانه قرآن کریم هم برای بهبود یافته‌های انسان‌شناسی تجربی استفاده کرد و هم افق‌های جدیدی را پیش‌روی محققان اقتصاد رفتاری باز کرد؛ چرا که به اعتقاد ما تبیین‌های قرآنی از انسان و رفتار اقتصادی از سوی خالق انسان صادر شده که اشراف کامل بر مخلوق خویش و تمامی مشخصاتش دارد. مشخص است که تبیین‌های خالق انسان به مراتب واقع‌گرایانه‌تر از تبیین‌های محدود تجربی است. نکته مهم این است که بتوانیم بدون سوگیری و با نگاهی عمیق ابعاد مختلف رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم را کشف کنیم. در این مسیر مطالعات رفتارشناسی اقتصادی تجربی نیز

می‌تواند به ما در فهم بهتر آیات قرآن مجید کمک کند؛ چرا که دستیابی به لایه‌های پیدا و پنهان معارف قرآنی به سادگی امکان‌پذیر نیست.

یکی از چالش‌های اساسی در کتاب رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم، ایجاد تقابل نامشخص بین انسان مادی‌گرا و انسان فطرت‌گرا است. ردپای این تقسیم‌بندی را نمی‌توان در آیات قرآن کریم یافت. اگر مادی‌گرایی را بخشی از فطرت انسان بدانیم، آنگونه که نویسنده کتاب بدان گرایش دارد، عملاً مادی‌گرایی نیز بخشی از فطرت‌گرایی بشر است. آنچه در آیات قرآن مشاهده می‌کنیم تقابل بین انگیزه‌های مادی-معنوی و دنیایی-آخروی است. شاید اگر نویسنده کتاب از تقابل بین انسان مادی‌گرا و معنویت‌گرا سخن می‌گفت، تطابق بیشتری با سیاق آیات قرآن کریم می‌داشت.

نویسنده کتاب به واسطه پذیرش ضمنی رویکرد عقلانیت کامل و مطلوبیت‌گرایی در این اثر و سایر آثارش قرائتی خاص از آیات قرآن کریم ارائه می‌دهد. همین سوگیری باعث شده که نویسنده عملاً نتواند از دستاوردهای رفتارشناسی اقتصادی جدید در اقتصاد رفتاری بهره‌مند شود. در حالی پژوهشگران اقتصاد رفتاری بر محدودیت‌ها و نقایص بشر در انتخاب عقلایی تأکید می‌کنند، نویسنده کتاب به صورت پیدا و پنهان به سمت ارائه همان رویکرد قدیمی عقلانیت کامل متمایل است.

با نگاهی به آیات قرآن مجید می‌توان دریافت که در رفتارشناسی اقتصادی قرآن کریم به محدودیت‌های شناختی، انگیزشی، و ارادی بشر توجه شده است. در آیات زیادی از قرآن به خطاهای محاسباتی بشر در انتخاب، از جمله خطای محاسباتی در کم‌ارزش قلمداد کردن منافع اخروی و ارزش‌گذاری بالای منافع دنیوی، اشاره شده است. این خطای محاسباتی ریشه در برخی ابعاد روانی انسان از جمله گرایش زیاد او به منافع دنیوی و عجز بودن دارد. به همین خاطر خداوند همواره برتری منافع اخروی نسبت به منافع دنیوی را گوشزد می‌کند. تمایلات و غرایز کور انسان می‌توانند وی را از رفتار عقلایی دور سازد؛ این مشکل زمانی رخ می‌دهد که انسان بدون تبعیت از رهنمودهای عقل به دنبال ارضای غرایز و شهوات خود و یا خواسته‌های نفس اماره می‌رود. تبعیت از شهوات و هواپرستی باعث حرص و زیاده‌طلبی انسان و در نتیجه بخل‌ورزی و امتناع از کمک به فقرا می‌شود که در منطق اسلامی رفتاری غیرعقلایی است. در این حالت، خواست‌های حیوانی بر گرایش‌های والای انسانی و الهی و همچنین منافع دنیوی بر منافع اخروی ترجیح داده می‌شود.

در مقام مقایسه، رویکرد قرآنی به محدودیت‌های عقلانیت و راهکارهای مقابله با آن از نظر شکلی با رویکردهای جدید در اقتصاد رفتاری همگرایی دارد. با این وجود، هم نوع تحلیل از این محدودیت‌ها و هم رویکرد پذیرفته شده برای مقابله با آن مبتنی بر انسان‌شناسی اسلامی و استفاده از ظرفیت‌های دینی و اخلاقی است. در این چارچوب گسترش دید افراد نسبت به بعد زندگی (دنیا و آخرت) و تقویت نیروی بازدارنده درونی (تقوی) رویکردی متمایز برای مقابله با محدودیت‌های عقلانیت است. در صورتی که مطالعات تجربی در زمینه عقلانیت محدود در رویکرد اسلامی شکل گرفته و گسترش یابد، می‌توان با دقت بیشتری در مورد ظرفیت ابزارهای مقابله با عقلانیت محدود قضاوت و از آن برای حل مشکلات رفتاری افراد استفاده کرد.

## کتاب‌نامه

- اکبری، رضا. (۱۳۸۶). تصمیم‌گیری، عقلانیت و اصل شورا. اندیشه مدیریت، ۵۹-۷۵.
- توکلی، محمدجواد. (۱۳۹۸). مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی، سیدرضا. (۱۳۷۹). الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف‌کننده مسلمان. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خسروپناه، عبدالحسن. (۱۳۸۲). گستره شریعت. تهران: نشر معارف.
- خسروپناه، عبدالحسین. میرزایی، رضا. (۱۳۸۹). چستی انسان‌شناسی. انسان‌پژوهی دینی (۲۴)، ۳۵-۵۶.
- رهر، فرهاد، امیری، میثم. (۱۳۹۳). اقتصاد رفتاری و سیاستگذاری عمومی. برنامه و بودجه، ۱۹ (۴)، ۱۴۷-۱۸۲.
- سن، آمارتیا. (۱۳۷۷). اخلاق و اقتصاد. ترجمه حسن فشارکی، تهران: شیرازه.
- صدر، سید کاظم. (۱۳۷۴). اقتصاد صدر اسلام. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مرطان، سعیدسعد. (۱۹۸۶م). مدخل للفکر الاقتصادي فی الاسلام. بیروت: موسسه الرساله.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱، ج ۲). اخلاق در قرآن (جلد ۳). تدوین م. اسکندری. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- میرمعزی، سیدحسین. (۱۳۸۴). اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- هادوی‌نیا، علی‌اصغر. (۱۳۸۲). *انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- هادوی‌نیا، علی‌اصغر. (۱۳۸۷). *فلسفه اقتصاد در پرتو جهان‌بینی قرآن کریم*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- هادوی‌نیا، علی‌اصغر. (۱۳۹۶). *رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم؛ انسان مادی‌گرا و انسان فطرت‌گرا*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- هادوی‌نیا، علی‌اصغر. (۱۳۹۷). *رویکرد شناختی در تحلیل اقتصاد اسلامی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- هربرت الکساندر سایمون. (۱۳۷۱). *رفتار اداری؛ بررسی در فراگردهای تصمیم‌گیری در سازمان اداری*. (محمد علی طوسی، مترجمون) تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

- Ariely, D. (2008). *Predictably Irrational: The Hidden Forces That Shape our Decisions*. HarperCollins Publication.
- Ariely, D. (2009). *The End of Rational Economics*. Harvard Business Review.
- Bazerman, M., & Sezer, O. (2016). Bounded awareness: Implications for ethical decision making. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 136, 95-105.
- Bourgine, P. (2004). What is Cognitive Economics. In P. Bourguine, & J. Nadal (Eds.), *Cognitive Economics: An Interdisciplinary Approach* (pp. 1-12). Berlin, Heidelberg: Springer.
- Bourgine, P., & Nada, J.-P. (Eds.). (2004). *Cognitive Economics. An Interdisciplinary Approach*. Springer.
- Colin, F. C., Loewenstein, G., & Rabin, M. (2004). Behavioral Economics: Past, Present, Future. In F. Colin, G. Loewenstein, & M. Rabin, *Advances in behavioral economics* (pp. 3-51). Princeton University Press.
- Elster, J. (2000). *Ulysses Unbound: Studies in Rationality, Precommitment, and Constraints*. Cambridge University Press.
- Jones, R. (2002). Bounded Rationality and Public Policy: Herbert A. Simon and the Decisional Foundation of Collective Choice. *Policy Sciences*, 35(3), 269-284.
- Kahf, M. (2014). *Notes on Islamic Economics: Theories and Institutions*. USA: CreateSpace Independent Publishing Platform.
- Khan, M. (1984). Macro Consumption Function in an Islamic Framework. *Journal of Research in Islamic Economics*, 1(2).
- Kahneman, D. (2010). *Thinking, Fast and Slow*. New York: Farrar, Straus and Giroux.
- Rubinstein, A. (1998). *Modeling Bounded Rationality*. Cambridge, Massachusetts: The MIT Press.

- Schelling, T. (1960). *The strategy of conflict*. Harvard University Press.
- Sen, A. (1987). Rational Behaviour. In J. Eatwell, & et al. (Eds.), *The New Palgrave, A Dictionary of Economics* (Vol. 4, pp. 68-76). New York: The Macmillan.
- Sen, A. (1988). *On Ethics and Economics*. Blackwell.
- Simon, H. (1972). Theories of Bounded Rationality. In C. McGuire, & R. Radner, *Decision and Organization: A Volume in Honor of Jacob Marschak*. Amsterdam and London: North-Holland Publishing Company.
- Thaler, R. (2015). *Misbehaving: The Making of Behavioral Economics*. New Haven & London: W.W. Norton & Company.
- Thaler, R., & Shefrin, H. (1981). An Economic Theory of Self-control. *Journal of Political Economy*, 89(2), 392-406.
- Thaler, R., & Sunstein, C. (2008). *Nudge: Improving Decisions About Health, Wealth and Happiness*. New Haven & London: Yale University Press.
- Todd, P., & Gigerenzer, G. (2003). Bounding Rationality to the World. *Journal of Economic Psychology*(24).